

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۰۲/۲۴

بسمل مسافر

اگر دلی درمند وطن است اشکی خواهد ریخت!

درد دل یک هموطن از روزهای دشوار کابل، که در واقع انعکاس رنج های بیکران مردم افغانستان است



* من ۵ سال مکتب را درست خوانده نتوانستم... از سال ۱۳۷۱ الی ۱۳۷۵، زیرا در شهر کابل جنگ شدید جریان داشت. با وجود که تا صنف ۸ اول نمره صنف خود بودم و اگر این جنگ های لعنتی نمی بود به گمان غالب با کسب دانش و سویه بلندتر می توانستم فارغ التحصیل شوم... نه به گونه ناقص....

- شما نگذاشتید که من به مکتب بروم. ولی این من بودم که قسمتی از دیوار بدرفت تشنابهای مکتب را با سیاهی بالتی های ۵۵۵ که از کثافات جمع کرده بودم، به قسم تخته رنگ کردم و با عذر و زاری، اگر استادی در ماه یکبار جهت امضای حاضری به مکتب می آمد، و اجازه میداد کنار تشناب ها، نزد آن تخته سیاه برده و درس مونوم، بیونوم و پلینیوم را از او می آموختم. این من بودم که استاد زبان دري را که ماه یکبار به مکتب می آمد، با عذر و زاری از دروازه مکتب به آنجا برده و چیزی از او می آموختم.
* (در آن زمان مهاجرین و بیجاشده گان داخلی که در مکتب های زندگی می کردند به استادان اجازه داخل شده به مکتب را میدادند)

بیت خاقانی را از کتاب دري صنف ۸ که تا اکنون در خاطر من است آن زمان آموخته بودم؛ ولی می شد بیشتر و بهتر بیآموزم:

"چون دیده ای که یوسف از اخوان چه رنج دید
هم ناتوان بزی و ز اخوان توان مخواه"

معهدا، در مقایسه به سائر همشهریانم نسبتاً خوشبخت تر بودم... اکثریت جوانان میهن در آن زمان کاملاً بی تعلیم ماندند،

د پانو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

... پس مقصر کیست؟

- من نتوانستم بعد از فراغتم در سال ۱۳۷۶ به پوهنتون راه یافته و تحصیلات ام را در آن زمان تکمیل نمایم،
... پی مقصر کیست؟

- من در فقر زیستم، کلکین های خانه ام شیشه نداشت. در سرما و برفباری شدید زمستان حتی نصب پلاستیک همه روزه توسط صدا های راکت و (بی ام چهل) طرفین به ظاهر متخاصم از بین می رفت...
باز هم من بدبخت خوشبخت تر بودم. زیرا متباقي ساکنین نواحی مختلف شهر کابل به کلی در به در شدند و خانه و کاشانه شان ویران شد. مال و دارایی شان به غارت رفت. اعضای خانواده شانرا از دست دادند.
... پس مقصر کیست؟

- من در حالی که از یک طرف از سرما می لرزیدم، از طرف دیگر هر لحظه مرگم را در پیش چشم می دیدم... ولی در عین زمان با شعله چراغ الکین خود را گرم و در روشنایی آن مطالعه می کردم... ولی با تأسف دیگران همین امکانات محدود را نیز نداشتند.
... پس مقصر کیست؟

- من وظیفه نداشتم، عاید نداشتم، خسارات مالی هنگفتی را متقبل شدم... سرنوشتم سیاه و روزگارم ام تباه شد. جوانی و آینده ای آن زمان من، که امروز باشد، تا اکنون تاریک است و حتی به آینده روشن برای خود و فرزندانم نمی توان باورمند باشم.
... پس مقصر کیست؟

بلی!

پوهنتون را در شرایط دیگری و به گونه ای به پایان رسانیدم که بیان آن مثنوی هفتاد من کاغذ خواهد شد. هر چند تک تک اعضای خانواده ام محصلین پوهنخې های طب، ساینس و ... بودند و رئیس فامیل شخص خبیر و دانشمندی بود که تحصیلات عالی حرف نخست و همیشه گی آن خانواده فقیر ولی از لحاظ معنوی ثروتمند را تشکیل می داد، ولی شرایطی را که شما بر ما تحمیل کرده بودید مانع شد تحصیلاتم در زمان مناسب به پایه اکمال رسانم.
چرا؟

به دلیل اعمال غیرمسئولانه شما، تعلیم و تحصیل را در زمان مناسب اش تکمیل نتوانستیم آیا تاثیرات منفی آن بالای کیفیت زنده گی و چگونه گی تعلیم و تربیت اطفال ما در این زمان اثر منفی نمی گذارد؟
به دور از منطق و غیرعقلانه خواهد بود اگر گفت که نه...
و اینک با وجود گذشت سال ها و ازدیاد سن، باز هم برای من و همسالان من زمینه تحصیلات عالیتر مساعد نیست،
... پس مقصر کیست؟

در دو دهه ای اخیر پول وافر خیرات ها و کمک های جامعه جهانی را که سرمایه ملت بود کی ها تاراج و به غارت بردند؟

کیها صاحب آرگاه و بارگاه شدند؟

فرزندان کیها اسناد تحصیلات عالی را بدست آورده و در رفاه و آسایش زنده گی می کنند؟
به جز شما، بیشتر از ۹۰ فیصد مردم این جامعه هنوز هم در فقر، فاقه، و گرسنگی زندگی داشته و در حالت وهم، یاس و نومیدی بسر می برند.

..... و اکنون، فارغ التحصیلان بی شمار در به در به دنبال کار اند، امنیت وجود ندارد، زمینه کار موجود نیست. تعداد معنادرین کشور به میلیون ها رسیده... و فقر بیداد می کند،
... پس مقصر کیست؟

- من نیز جز "مردم افغانستان" استم.

زمانی که گفته می شود "مردم افغانستان چنین و چنان"،.....

من به گوینده گان این جمله، که از نام ما "مردم افغانستان" استفاده ناجائز می کنند نفرین میفرستم.
ننگ و نفرین تان باد!

شما صرف با سوءاستفاده از نام مقدس اسلام، شعار خدمت، و و فقط خود را فربه نمودید و ما "مردم افغانستان" همچنان در یک منجنیق گیر مانده ایم که اصلاً از پیدا کردن راه نجات عاجزیم.

سال ها می شود که شما؛ ما و جامعه ما را گروگان گرفته اید....

- دیگر نامی از ما "مردم افغانستان" را به زبان آلوده تان نیاورید...

شما ها، ما "مردم افغانستان"، را چنان بدبخت ساختید که اینک چهار دهه است که زندگی نارمل را فراموش نموده ایم و با ظلم و بیعدالتی دست و پنجه نرم می کنیم...
شما طرد شده ها و نفرین شده گان جامعه حتی به سرنوشت و آینده اطفال ما نیز رحم نکردید ... یک نسل نه، بلکه شما چندین نسل این سرزمین را سیه روز ساختید...
شما تمام ارزشهای مادی و معنوی این سرزمین را به یغمی بردید...
ای رهنان تاریخ و غارتگران سرمایه های مادی و معنوی کشور، و ای مفسدین و شرارت پیشه های چهار دهه اخیر!
دیگر نامی از "مردم افغانستان" را به زبان نیاورید!
من و میلیون ها هموطنم (که جز مردم افغانستان هستیم) قربانی اعمال ننگین و غیرانسانی شما موجودات بی آرم هستیم،
و همه روزه به مرگ تدریجی می میریم!